

# ارزیابی درجه اکمال تجاری دوجانبه ایران با کشورهای حوزه دریای مازندران [۱] و [۲]

الیه معصوم زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
elahe.masoomzadeh@yahoo.com

محمد نهاوندیان

استادیار پژوهشگاه اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی / دکترای اقتصاد  
nahavandian@iccim.org

پرویز احمدی

استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس / دکترای مدیریت منابع انسانی  
ahmadi\_p@modares.ac.ir

پتانسیل تجاری / شاخص کسینوس / موافقت‌نامه تجارت  
ترجیحی / کشورهای حوزه دریای مازندران

کسب میانگین شاخص کسینوس ۰/۰۵۷، به ترتیب دارای  
بیشترین و کمترین درجه اکمال تجاری بالقوه با ایران هستند، به  
این معنی که مشابهت ساختار کالاهای صادراتی ایران با ساختار  
کالاهای وارداتی قزاقستان، بالاتر از سایر کشورهای مورد مطالعه  
بوده است. در بین این کشورها، قزاقستان بالاترین پتانسیل  
تجاری با ایران را داشته و زمینه توسعه تجاری ایران با قزاقستان  
از دیگر کشورهای مورد بررسی بالاتر است. پس از قزاقستان،  
ترکمنستان در رتبه دوم قرار دارد. ضمناً روند شاخص کسینوس  
صادرات ایران با واردات آذربایجان و قزاقستان، افزایشی و با  
واردات ترکمنستان و روسیه، روندی کاهشی بوده است. با ارزیابی  
۱۰ کالای برتری که ایران بیشترین پتانسیل صادراتی را با هر

## چکیده

مقاله حاضر با هدف برآورد درجه اکمال تجاری و ارزیابی  
امکان گسترش تجارت بین ایران و کشورهای حوزه دریای  
مازندران طی دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۰۷ تدوین شده است. جهت  
برآورد امکان تجارت بالقوه و درجه اکمال تجاری بین ایران و  
کشورهای فوق‌الذکر، از بین روش‌های مختلف، از روش مرسوم  
"کسینوس" [۳] استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان  
می‌دهد که در میان کشورهای مورد مطالعه، کشور قزاقستان با  
کسب میانگین شاخص کسینوس ۰/۵۹ و کشور آذربایجان با

یک از کشورهای حوزه دریای مازندران دارا است، مشخص گردید که بیشترین پتانسیل صادراتی ایران مربوط به روسیه با ۲/۱۴۷ میلیارد دلار می‌باشد.

## مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین آثار تحول ساختاری پدیده جهانی شدن اقتصاد، ایجاد وابستگی جهانی و پیدایش یک دهکده اقتصاد جهانی است. با توجه به روند رو به گسترش این پدیده نوین و لزوم حضور گسترده‌تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای نقش کشورها را در عرصه رقابت‌پذیری بین‌المللی به طور موثری نمایان می‌سازد.

ترتیبات تجاری منطقه‌ای در میان کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای رو به افزایش گذاشته و در حال حاضر به ندرت می‌توان کشوری را یافت که از این ترتیبات بی‌نصیب باشد. طولانی شدن آخرین دور مذاکرات سازمان جهانی تجارت، کشورها را ترغیب به ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان جایگزینی کم‌هزینه‌تر و قابل دسترس‌تر برای جهانی شدن کرد. از طرف دیگر می‌توان منطقه‌گرایی را به عنوان میدان آزمایش اولیه‌ای برای ورود کشورهای در حال توسعه درون‌گرا به صحنه رقابت‌های بین‌الملل دانست.

اهمیت یکپارچگی بخصوص در کشورهای در حال توسعه که تا آزادسازی تجارت خود راه درازی را در پیش دارند، روزبه‌روز در نقاط مختلف جهان افزایش می‌یابد. کشورها با ایجاد زیر ساخت‌های مناسب می‌توانند از منافع یکپارچگی اقتصادی که همانا صرفه‌های ناشی از مقیاس، افزایش تجارت چه در داخل طرح یکپارچگی و چه با دنیای خارج و ... می‌باشد، بهره‌مند شوند. پیروی از الگوی همکاری منطقه‌ای مزایای احتمالی زیر را به همراه دارد:

- گسترش بازارها و کسب سود از طریق شیوه‌های صحیح اقتصادی.
- استفاده از منابع مکمل کشورها.
- افزایش میزان رقابت.
- ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف

اقتصادی.

- استفاده بهینه از منابع اقتصادی دیگر کشورها.
- ایجاد همبستگی، اعتماد و همکاری بین کشورها.
- مزایای دیگر از قبیل وابستگی کمتر به قدرت‌های مداخله‌گر، افزایش قدرت چانه‌زنی، ثبات و امنیت بیشتر در رفتار با سایر کشورها.

کشورهای واقع در منطقه حوزه دریای مازندران با در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه قابل توجه، مدت‌هاست که در مسیر تجارت گام نهاده‌اند. از این منظر، پیوستن کشورهایی که دارای استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری اقتصادی و توسعه تجارت هستند، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف نهایی "توسعه پایدار منطقه‌ای" می‌باشد. ایجاد ترتیبات تجارت ترجیحی بین کشورهای حوزه دریای مازندران می‌تواند شروعی باشد در جهت توسعه تجارت و گسترش همکاری‌های اقتصادی مشترک به‌ویژه دسترسی به این بازار عظیم برای کالاهای جدید صادراتی ایران.

اولین قدم در راه تعیین درجه بهینه ادغام اقتصادی کشورها، تعیین پتانسیل تجاری است. برای بررسی میزان تجارت بخصوص در مواردی که کشورهای مورد نظر در ابتدا هیچگونه رابطه تجاری نداشته و یا سطح این روابط پایین باشد یکی از روش‌های مفید، برآورد پتانسیل تجاری است. پتانسیل تجاری، میزان و امکان تجارتی را که کشورها به‌طور بالقوه می‌توانند با توجه به عوامل تعیین‌کننده جریان تجارت میان خود با یکدیگر داشته باشند، نشان می‌دهد.

از این رو این مقاله درصدد بررسی درجه اکمال تجاری و امکان افزایش تجارت میان ایران و سایر کشورهای حوزه دریای مازندران در جهت تسهیل و گسترش روابط تجاری میان این کشورها، رهایی از انزوای تجاری در منطقه، استفاده از مزیت‌های نسبی یکدیگر و افزایش سود مشترک آزادسازی تجاری می‌باشد.

به این منظور در پژوهش حاضر، با استفاده از شاخص کسینوس و با کمک داده‌های آماری (در سطح کدهای هماهنگ شش رقمی) طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳ به برآورد مورد نظر پرداخته

شده است. مجموعه داده‌های آماری این مقاله از لوح فشرده PC-TAS (صادرات اقلام کالایی و واردات اقلام کالایی) متعلق به مرکز تجارت بین‌المللی استخراج و پردازش شده است.

## ۱. چارچوب نظری

در رابطه با مطلوبیت و نتایج مثبت و منفی یکپارچگی منطقه‌ای، اختلاف‌نظرهایی در میان اقتصاددانان و سیاست‌گذاران وجود دارد که همگی ریشه در مفاهیم "ایجاد تجارت" [۴] و "انحراف تجارت" [۵] پس از تشکیل این اتحادیه‌ها دارد. این دو مفهوم باعث ایجاد اختلاف نظرها در مورد منطقه‌گرایی شده است.

برای اولین بار، نظریه اتحادیه گمرکی ایستا، توسط ژاکوب واینر [۶] مطرح گردید. وی بیان نمود که ترتیبات تجاری ترجیحی که باعث آزادسازی تجارت می‌شوند، از یک سو زمینه‌های تازه‌ای از تجارت میان اعضای اتحادیه "ایجاد" کرده و از سوی دیگر، تجارت کالا و خدمات را از تولیدکنندگان ارزان قیمت خارجی (خارج از اتحادیه) به تولیدکنندگان گران قیمت داخلی "منحرف" می‌سازد. بر این اساس، اتحادیه‌هایی که اساساً "ابداع تجاری" هستند، مفیدند و آنهایی که بر اساس "انحراف تجارت" تشکیل شده‌اند، برای اقتصاد کشورهای عضو و حتی برای تمامی جهان زیان آورند.

بعدها، بررسی‌های ریچارد لپسی [۷]، کلوین لنکستر [۸]، هری جانسون [۹] و جیمز مید [۱۰] در دهه ۱۹۵۰، اهمیت نظریه واینر را آشکارتر ساخت.

در نقد و بررسی مطالعه واینر، نظریات دیگری همچون نظریه "شرکای تجاری طبیعی" [۱۱] به وسیله واناکوت [۱۲]، مارک لوتز [۱۳]، لورنس [۱۴] و سامرز [۱۵] مطرح شد. آن‌ها بیان می‌کنند که چنانچه کشورهای عضو یک موافقتنامه تجاری ترجیحی [۱۶]، شرکای تجاری طبیعی باشند، آنگاه آثار ایجاد تجارت بیش از آثار انحراف تجارت است و در مجموع، اعضا از منافع موافقتنامه تجارت ترجیحی بهره‌مند خواهند شد.

لیکن باگواتی [۱۷] و پاناگاریا [۱۸] (۱۹۹۶) ضمن اشاره به قابل دفاع نبودن نظریه شرکای تجاری طبیعی، عنوان نمودند که

حجم بالای تجارت اولیه می‌تواند زیان قابل توجهی را متوجه کشورهای عضو (به دلیل توزیع مجدد درآمد تعرفه‌ای بین کشورهای عضو) گرداند.

آنها عنوان نمودند که انحراف در تجارت لزوماً رابطه‌ای با حجم تجارت اولیه نداشته و حجم تجارت اولیه می‌تواند نتیجه اعمال ترجیحات باشد تا شریک طبیعی.

از دیگر سو، کروگمن [۱۹] معتقد بود که اگر چه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تاثیر مسائلی از قبیل نزدیکی جغرافیایی نیز قرار دارد و حذف فاصله‌های جغرافیایی، باعث کاهش هزینه‌های حمل و نقل خواهد شد. از این رو، همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر داد و ستد کرده و انحراف تجارت بسیار اندک می‌باشد.

بعد از ارائه پیشنهاد اولیه کروگمن، بعدها فرانکل [۲۰]، اشتین [۲۱] و ووی [۲۲] به حمایت از این نظریه پرداختند که هزینه‌های سنگین حمل و نقل موجب می‌شود کشورهای همسایه و نزدیک به هم، ایجاد ترتیبات تجاری ترجیحی را به انواع همکاری‌های دیگر ترجیح دهند. [۲۳] که البته این دیدگاه نیز به دلیل شواهد تجاری تجربی موجود، به وسیله باگواتی و پاناگاریا (۱۹۹۶) مورد تردید قرار گرفت.

طبق نظریه کمپ - ون [۲۴] چنین عنوان شده است که اگر جریانهای تجاری کالا با کالا با بقیه نقاط جهان پس از شکل‌گیری ترتیبات تجاری ترجیحی خیلی کوچک‌تر از وضعیت قبل از آن نباشد، ترتیبات تجاری ترجیحی نمی‌تواند به رفاه جهانی صدمه بزند و برای اعضای ترتیبات تجاری منطقه‌ای سودمند است.

از دید سامرز و لورنس، مهم آزادسازی تجارت است و مسیر رسیدن به آن اهمیتی ندارد. کاهش موانع تجاری برای کشورهای همسایه یا منتخب، باعث ایجاد رقابت شده و امکان انتقال تکنولوژی را فراهم می‌سازد. این عوامل به نوبه خود، حرکت بهره‌وری و زیرساخت‌های اقتصادی را به سمت مزیت نسبی سبب می‌شوند. بازگشایی تجارت، باعث گسترش اندازه بازار و جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد. لذا شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای حداقل برای برخی از کشورها، رشد

تجارت و توسعه را به همراه دارد. [۲۵]

نظریات عنوان شده نشان‌دهنده اثرات مثبت و منفی موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی بوده و اهمیت ملاحظه نمونه‌های تجربی در عین بررسی‌های تئوری را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

مسئله انحراف تجارت و یا بازدارنده بودن یک تشکل منطقه‌ای در رشد تجارت، به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ توجه باید بیشتر به هدف‌ها و اصول تشکیل یک منطقه تجاری معطوف شود. در بررسی اهداف و روند تکامل ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای، با موضوعات و دلایل مختلفی در شکل‌گیری آن مواجه هستیم. هر چه قطب‌بندی‌های سیاسی رنگ می‌بازند بلوک‌بندی‌های اقتصادی شکل گرفته و تقویت می‌شوند.

در ترتیبات منطقه‌ای با کمک امکاناتی همچون تسهیل مقررات تجاری، آزادسازی و ایجاد ترتیبات تجاری ترجیحی تلاش در جهت حمایت و بهبود منطقه‌ای اعمال می‌شود. استفاده از این ابزارها ممکن است با اهداف مختلفی صورت گیرد. دلایلی همچون دنبال کردن منافع اقتصادی، انگیزه‌های سیاسی، نگرانی از انزوا در محیط تجارت بین‌المللی، تقویت و حمایت از صنایع نوپا و تثبیت اصلاحات اقتصادی را می‌توان برشمرد. [۲۶]

در مطالعه پیرامون اهداف غیر اقتصادی منطقه‌گرایی نیز می‌توان به مواردی همچون رسیدن به ثبات و امنیت منطقه‌ای، تثبیت اصلاحات و افزایش قدرت چانه‌زنی اشاره کرد.

## ۲. اشکال و سطوح همگرایی منطقه‌ای

اگر همگرایی اقتصادی به مثابه روند تلقی شود، این پدیده به شکل زیر تکامل می‌یابد:

- ترجیحات بخشی مقطعی برای شرکای تجاری [۲۷] (ترتیبات تجاری ترجیحی).
- منطقه آزاد تجاری.
- اتحادیه گمرکی.
- بازار مشترک.
- اتحادیه کامل اقتصادی.

منطقه‌گرایی ممکن است بسته به دامنه و عمق همکاری‌های

کشورهای عضو، در اشکال متفاوتی ظهور یابد. یکی از ابتدائی‌ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه‌ای "موافقت نامه تجارت ترجیحی" [۲۸] می‌باشند که شرکت کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تعرفه‌ای بین خود پرداخته در حالی که هیچ کدام از این کشورها تغییری در سیاست تجاری خود با سایر کشورهای ایجاد نمی‌کنند. کاهش موانع غیرتعرفه‌ای می‌تواند برای تمام کالاهای مبادلاتی باشد و یا تنها برای فهرستی از کالا باشد که از طرف هر کشور ارائه می‌شود. گاهی اوقات کاهش تعرفه‌ها فقط از جانب یک کشور صورت می‌گیرد و تنها یک کشور موانع تعرفه‌ای خود را کاهش داده و یا حذف می‌کند، در حالی که کشور مقابل در موانع تجاری خود تغییری ایجاد نمی‌کند. چنین ترتیباتی به دلیل مجاز نبودن کشورهای توسعه یافته به عضویت در آنها بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت اغلب در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته‌اند که از آن میان می‌توان به "نظام جهانی ترجیحات تجاری" [۲۹] بین تعدادی از کشورهای در حال توسعه اشاره کرد [۳۰].

"ترجیحات تجاری" را بسیاری، به عنوان "عنصر اساسی" برای ادغام شدن کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته در نظام تجارت جهانی تلقی می‌کنند. در عمل مشاهده می‌شود که ترتیبات تجاری ترجیحی، به ندرت تمامی موانع تجاری میان کشورهای عضو را از بین می‌برند. به علاوه، ترتیبات تجاری ترجیحی ممکن است برخی کالاها یا خدمات را از شمول آزادسازی خارج کنند.

در یک سطح بالاتر از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، مناطق آزاد تجاری [۳۱] (تجارت آزاد) قرار دارند. در این نوع از ترتیبات منطقه‌ای، کشورهای عضو به جای کاهش موانع تجاری در ارتباط با تجارت تعداد محدودی از کالاها، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند.

پس از مناطق آزاد تجاری شکل پیشرفته‌تر همگرایی منطقه‌ای، تاسیس "اتحادیه گمرکی" [۳۲] می‌باشد. اتحادیه گمرکی یک نوع ترتیب منطقه‌ای است که اعضا علاوه بر حذف

موانع تجاری در بین یکدیگر، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال کشورهای غیر عضو اقدام می‌ورزند.

از دیگر اشکال تکامل یافته همگرایی منطقه‌ای می‌توان به بازار مشترک اشاره داشت. در بازار مشترک کشورهای عضو به آزادسازی جابه‌جایی عوامل تولید شامل نیروی کار و سرمایه در بین یکدیگر اقدام می‌ورزند. پس از بازار مشترک، در عالی‌ترین سطوح همگرایی منطقه‌ای می‌توان اتحادیه اقتصادی را نام برد. در اتحادیه‌های اقتصادی کشورهای عضو علاوه بر تامین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان‌سازی سیاست‌های پولی، مالی، صنعتی، حمل و نقل و دیگر سیاست‌های اقتصادی خود اقدام می‌نمایند.

در این مقاله به بررسی مرحله اول ادغام - ترتیبات تجارت ترجیحی - در رابطه با کشورهای حوزه دریای مازندران پرداخته شده است.

### ۳. مروری اجمالی بر اوضاع اقتصادی - بازرگانی

#### کشورهای حوزه دریای مازندران

کشورهای حوزه دریای مازندران که در این پژوهش، مورد بررسی ما می‌باشند، از تنوع محیطی، اقتصادی و فرهنگی ارزشمندی برخوردارند؛ که به طور خلاصه، قابلیت‌های توسعه کشورهای حوزه دریای مازندران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

**روسیه:** مهم‌ترین قابلیت‌های توسعه روسیه عبارت است از تنوع آب و هوایی، گستردگی زمین‌های حاصلخیز و آب فراوان، داشتن جنگل‌های گسترده و انبوه، معادن غنی و استراتژیک، ذخایر بزرگ نفت و گاز (یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان)، برخورداری از قدرت هسته‌ای بالا و قابلیت‌های گردشگری بسیار، تولید زیاد اورانیوم، مس، منیزیم، سنگ آهن، الماس، نیکل، قلع و دیگر فلزات مهم و استراتژیک.

**آذربایجان:** برخورداری از خطوط ارتباطی ریلی و جاده‌ای به نسبت خوب، موقعیت مناسب ارتباطی میان غرب و جنوب آسیا، ذخایر قابل توجه نفت و گاز، پتانسیل بالای کشاورزی، برخورداری از ذخایر قابل توجه سرب، روی، آهن، جیوه، نقره، مس، آلومینیم و ...

**ترکمنستان:** برخورداری از موقعیت ارتباطی مناسب که آن را به آسیای مرکزی و ایران پیوند می‌دهد و داشتن ذخایر معدنی غنی، از جمله معادن نفت و گاز، سولفات، گوگرد، آهن، روی، مس، جیوه ...

**قزاقستان:** گستردگی سرزمین و برخورداری از قابلیت بالای کشاورزی و منابع آبی و خاکی فراوان، قدرت هسته‌ای بالا، منابع بزرگ نفت، گاز و شبکه‌های زیر بنایی کمابیش و ...

**ایران:** تنوع اقلیمی، گستردگی سرزمین، منابع عظیم نفت و گاز، منابع غنی معدنی، از جمله معادن سنگ آهن، منگنز، مس و ... برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، نیروی کار ارزان، موقعیت ممتاز ارتباطی از دریای مازندران تا خلیج فارس، پتانسیل بالای گردشگری و ...

افزون بر اینها، دسترسی کشورهای منطقه به مهم‌ترین ذخایر انرژی جهان و بازارهای مصرف چند میلیارد نفری منطقه‌ای می‌توانند بستری مناسبی برای پیشرفت آن‌ها پدید آورد.

کشورهای حوزه دریای مازندران جمعیت نسبتاً زیادی را در خود جای داده‌اند. کل جمعیت این کشورها در سال ۲۰۰۹، حدوداً ۲۳۵ میلیون نفر بوده است. کشور روسیه با جمعیتی بالغ بر ۱۴۰ میلیون نفر، به تنهایی حدود ۶۰ درصد از کل جمعیت این کشورها را دارا می‌باشد. جمعیت این گروه به کمتر از ۰/۰۵ از جمعیت جهان می‌رسد. [۳۳]

مقایسه تولید ناخالص داخلی این کشورها در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که کشور روسیه بالاترین رتبه را در بین این کشورها دارا است و پس از آن ایران، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به ترتیب بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی را دارا هستند. کشور آذربایجان با ۱۰/۸ درصد رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، دارای بالاترین درصد رشد سالانه و قزاقستان دارای پایین‌ترین میزان رشد سالانه بوده‌اند.

در رتبه‌بندی جهانی بر اساس GDP، کشور روسیه توانسته است هشتمین رتبه و پس از آن، ایران، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به ترتیب مقام‌های ۱۸، ۵۶، ۸۱ و ۱۰۸ را کسب کنند.

در رابطه با رشد سالانه GDP، این‌بار آذربایجان در رتبه هشتم قرار گرفته و پس از آن، ترکمنستان، ایران، روسیه و

قزاقستان به ترتیب در مقام‌های ۱۰، ۴۶، ۶۸ و ۱۴۶ قرار گرفته‌اند.

### جدول ۱- GDP و درصد رشد سالانه آن (۲۰۰۷-۲۰۰۹) میلیارد دلار آمریکا و درصد

کشور	۲۰۰۷		۲۰۰۸		۲۰۰۹	
	GDP	رشد سالانه GDP	GDP	رشد سالانه GDP	GDP	رشد سالانه GDP
آذربایجان	۶۵/۶۵۵	۳۴/۵	۷۴/۸۵۶	۲۳/۴	۸۱/۷۳	۱۰/۸
ایران	۷۶۹	۴/۳	۸۰۵	۶/۲	۸۳۰	۶/۵
ترکمنستان	۲۶/۸۷	۶	۳۰/۳۳	۱۱/۵	۳۲/۰۳	۱۰/۵
روسیه	۲۰۹۹	۶/۷	۲۲۶۴	۸/۱	۲۱۲۶	۵/۶
قزاقستان	۱۶۸/۷	۱۰/۶	۱۷۷/۸	۸/۵	۱۷۶/۹	۲/۴

Source: World Development Indicators, World Bank (2009)

نزدیک به ۷۰ درصد رشد نشان داده است.

### جدول ۳- سهم تجارت کشورهای حوزه دریای مازندران در تجارت جهانی (۲۰۰۹) (درصد)

کشور	صادرات			واردات		
	محصولات کشاورزی	سوخ و محصولات معدنی	کالاها تولید شده	محصولات کشاورزی	سوخ و محصولات معدنی	کالاها تولید شده
آذربایجان	۱/۷	۹۶/۱	۲	۱۶/۵	۳/۸	۷۸/۶
ایران	۳/۲	۸۴/۲	۹/۹	۱۳/۷	۹/۷	۷۰/۵
ترکمنستان	۱۰/۲	۸۱/۴	۶/۹	۱۲/۱	۲/۲	۷۹/۸
روسیه	۵/۳	۷۳/۱	۲۰	۱۱/۷	۴/۲	۸۲/۹
قزاقستان	۴/۵	۸۰/۹	۱۳/۸	۸/۴	۱۵/۹	۷۳/۴

Source: WTO

جدول (۳)، به طور خلاصه ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. با توجه به ارقام موجود، آنچه بوضوح مشخص و بین کشورهای فوق مشترک می‌باشد، درصد بسیار بالای صادرات سوخت و مواد معدنی در صادرات این کشورها و درصد بسیار بالای واردات کالاهای تولید شده به وسیله این کشورها است.

### جدول ۲- تجارت کشورهای حوزه دریای مازندران طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۹ (میلیارد دلار آمریکا)

کشور	۲۰۰۷		۲۰۰۸		۲۰۰۹	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
آذربایجان	۱۲/۵۱	۵/۱۷۶	۲۱/۲۷۰	۶/۰۴۵	۳۰/۵۹	۷/۵۷
ایران	۶۳/۱۸	۴۵/۴۸	۸۸/۲۶	۵۳/۸۸	۹۵/۰۹	۶۷/۲۵
ترکمنستان	۵/۴۲	۳/۹۳	۷/۵۶	۴/۵۱	۱۱/۹۲	۵/۶۶
روسیه	۳۱۷/۶	۱۷۱/۵	۳۵۵/۵	۲۲۳/۴	۴۷۱/۶	۳۰۲
قزاقستان	۳۵/۵۵	۲۲	۴۸/۳۵	۳۳/۲۱	۷۱/۹۷	۳۸/۴۵

Source: www.trademap.org

با توجه به جدول (۲) می‌توان نتیجه گرفت که تجارت کشورهای مورد مطالعه طی سال‌های اخیر با روند افزایشی قابل ملاحظه‌ای مواجه بوده است. در سال ۲۰۰۹، بیشترین میزان صادرات را از میان کشورهای فوق، کشور روسیه از آن خود کرده است و ایران، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان در مقام‌های بعدی قرار دارند. رتبه‌بندی کشورهای فوق از نظر واردات نیز مشابه صادرات می‌باشد.

در سال ۲۰۰۹، مجموع صادرات کشورهای حوزه دریای مازندران به جهان، معادل ۶۸۱/۱۷ میلیارد دلار آمریکا بوده است که این میزان نسبت به سال ۲۰۰۷، حدود ۶۰ درصد رشد داشته است. همچنین واردات این کشورها از جهان در سال ۲۰۰۹، ۴۲۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است که با توجه به رقم سال ۲۰۰۷،

### ۴. روش‌شناسی تحقیق

پتانسیل تجاری، میزان تجارتی است که کشورها به طور بالقوه می‌توانند با توجه به عوامل تعیین کننده جریان تجاری با یکدیگر داشته باشند. برای تعیین پتانسیل تجاری بین کشورها، روش‌های متعددی وجود دارد [۳۴] که به‌طور کلی در دو گروه تعیین "امکان" و "میزان" تجارت بالقوه جای می‌گیرند. اکثر این روش‌ها در مواردی که کشورهای مورد مطالعه در ابتدا هیچگونه سیاست تجاری هماهنگی اتخاذ نکرده‌اند و روابط تجاری نازلی دارند، مناسب به نظر می‌رسند.

گروه روش‌های برآورد امکان تجارت بالقوه، تنها امکان‌پذیر بودن یا نبودن توسعه تجارت را نشان می‌دهند بدون آنکه میزان عددی ظرفیت بالقوه تجارت بین دو کشور را ارائه نمایند، معیار کسینوس که ما در این تحقیق از آن استفاده می‌نماییم در این زمره قرار می‌گیرد. این دسته معیارها صرفاً درجه تشابه یا اکمال تجاری [۳۵] کشورها را با یکدیگر بررسی می‌نماید.

به منظور ارتقای همکاری در روابط بین کشورها لازم است که درجه اکمال تجاری بالقوه بین آنها تعیین شده و از آن در جهت گسترش روابط تجاری کشورها استفاده نمود. منظور از درجه اکمال تجاری در واقع میزان تشابه ساختار صادرات یک کشور با واردات کشور دیگر است که نشان‌دهنده امکان تجارت بین کشورها است. [۳۶]

#### ۱-۴. معیار کسینوس

درجه اکمال تجاری از مقایسه درجه همخوانی صادرات یک کشور با واردات کشور شریک تجاری اش به دست می‌آید. در حقیقت درجه اکمال تجاری نشان می‌دهد که تا چه اندازه تخصص‌گرایی یک کشور در صادرات، تقاضای وارداتی کشور مقابل را تکمیل می‌کند.

معیار کسینوس برای اولین بار توسط روی آلن [۳۷] (۱۹۵۷) در اقتصاد ریاضی مطرح شد. این معیار با به‌کارگیری شاخص کسینوس برای اندازه‌گیری شدت تشابه صادرات - واردات دو کشور استفاده و به‌صورت ذیل تعیین شده است:

$$\cos X_A M_B = \frac{\sum_{j=1}^n X_{iA} M_{iB}}{\sqrt{\sum_{j=1}^n M_{iB}^2 \sum_{j=1}^n X_{iA}^2}}$$

$X_{iA}$  = سهم گروهی تولیدی  $i$  در صادرات کشور  $A$ .

$M_{iB}$  = سهم گروه تولیدی  $i$  در واردات کشور  $B$ .

$n$  = تعداد گروه‌های تولیدی.

$X_{iA}$  و  $M_{iB}$  بر اساس ارقام تجارت بر حسب کدهای هماهنگ کالا (در این مقاله شش رقمی) بین دو کشور محاسبه می‌شوند.

با تعیین زاویه دو بردار در فضای کالای  $n$  بعدی می‌توان این دو بردار را با هم مقایسه کرد. زاویه کوچک نشان می‌دهد که ترکیب کالای صادرات کشور  $A$  (برای تمام مقاصد یا جهان) شبیه به ترکیب کالایی وارداتی کشور  $B$  (از تمام مبادی یا جهان) است و زاویه بزرگ نشان می‌دهد که ساختار صادرات کشور  $A$  و ساختار واردات کشور  $B$  غیرمشابه و انطباق‌ناپذیر می‌باشد. بزرگی زاویه بین دو بردار کالا به‌طور متداول بر حسب کسینوس اندازه‌گیری می‌شود (Lineman & Beers, 1988, 445). با توجه

به فرمول فوق، یکسان بودن ترکیب کالایی صادرات کشور  $A$  با واردات کشور  $B$  درجه تکمیل کامل را نشان می‌دهد؛ یعنی الگوهای کالایی کشور صادرکننده و واردکننده دقیقاً شبیه به هم می‌باشند.

به این ترتیب ارقام به‌دست آمده برای این شاخص بین دو عدد بحرانی صفر و یک تغییر می‌کند. هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نشانگر تشابه بیشتر ساختار صادرات کشور  $A$  و واردات کشور  $B$  یا به عبارت دیگر بیانگر وجود پتانسیل تجاری بین دو کشور می‌باشد و در مقابل هر چه به صفر نزدیکتر باشد، نشانگر تشابه کمتر ساختار صادرات کشور  $A$  و واردات کشور  $B$  و یا بیانگر عدم وجود پتانسیل تجاری بین دو کشور می‌باشد.

لازم به ذکر است که شاخص کسینوس تنها شدت جریان تجارت متقابل مورد انتظار را از کشور صادرکننده  $A$  به کشور واردکننده  $B$  بر مبنای الگوهای تجاری موجود نشان می‌دهد و درباره تشخیص پتانسیل واقعی چیزی را مشخص نمی‌کند. به بیانی دیگر، ممکن است که تجارت دو کشور کاملاً با هم شبیه باشد، اما معلوم نباشد که آنها واقعاً با یکدیگر تجارت کرده‌اند. در ضمن، مقایسه تشابهات دلیل رخ دادن این وضعیت را نشان نمی‌دهد بلکه رفتاری را نشان می‌دهد که ممکن است متقابلاً رخ دهد.

#### ۲-۴. مروری بر برخی مطالعات انجام گرفته با استفاده از روش کسینوس

- یزدان پناه و کریمی (۱۳۷۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان برآورد درجه تکمیل و تشابه تجاری بین کشورهای عضو آکو و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس درجه تکمیل و تشابه تجاری آنها را برآورد نموده‌اند. برای اندازه‌گیری تشابه تجاری از معیار کسینوس زاویه بین دو بردار صادرات کشور  $i$  و واردات کشور  $j$  و کلیه کدهای سه رقمی SITC استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که تنها ۴۰ زوج کشور از ۱۴۰ زوج مشاهده شده دارای پتانسیل تجاری بالایی هستند.

- کریمی درمنی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به

## ۵. شاخص کسینوس بین صادرات ایران و واردات کشورهای حوزه دریای مازندران

درجه اکمال تجاری در واقع میزان تشابه ساختار صادرات یک کشور با واردات کشور دیگر و در حقیقت نشان‌دهنده امکان تجارت بین کشورها است. [۳۸]

به منظور تعیین اکمال تجاری بین ایران و سایر کشورهای حوزه دریای مازندران، شاخص کسینوس برای جریان صادرات ایران و واردات کشورهای دیگر مورد مطالعه در دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳ محاسبه و در جدول (۴) درج شده است. [۳۹]

نتایج محاسبات نشان می‌دهد که دامنه شاخص کسینوس بردار صادرات ایران و واردات سایر کشورهای حوزه دریای مازندران دارای نوسان زیادی است و در بین این کشورها، قزاقستان با ۰/۵۹ دارای بالاترین درجه اکمال تجاری و آذربایجان با ۰/۵۷ دارای کمترین درجه اکمال تجاری بالقوه با ایران هستند. حداقل رقم موجود گویای آن است که درجه اکمال بین دو کشور ایران و آذربایجان بسیار نازل است؛ هر چند که این مقدار، امکان وجود فعالیت‌های تجاری را در آینده کاملاً منتفی نمی‌کند. در رابطه با کشور روسیه و ترکمنستان نیز با ۰/۰۹۶ و ۰/۱۸ می‌توان استدلالی مشابه آنچه برای آذربایجان گفته شد، بیان نمود.

شاخص کسینوس کشورهای حوزه دریای مازندران با ایران در دامنه ۰/۰۹۶ و ۰/۵۹ قرار دارد.

طی دوره مورد بررسی، اندازه شاخص کسینوس صادرات ایران و واردات آذربایجان، روندی افزایشی و برای قزاقستان نیز غالباً افزایشی بوده است. شاخص کسینوس صادرات ایران و واردات ترکمنستان طی دوره مذکور، روندی کاهشی و برای کشور روسیه نیز این روند، غالباً کاهشی بوده است.

برآورد درجه تکمیل و تشابه تجارت میان اعضای اکو و شورای همکاری خلیج فارس پرداخته است. وی از معیار کسینوس در سطح کدهای سه رقمی SITC در دو حالت در نظر گرفتن یا صرف نظر از تجارت نفت خام استفاده نموده است. کشورهای مزبور عضو دو گروه منطقه‌ای اکو (۱۰ کشور) و شورای همکاری خلیج فارس (شش کشور) می‌باشند. این شاخص برای زوج‌های دویه‌دوی این کشورها محاسبه و نتیجه گرفته شده است که امارات متحده عربی، ترکیه، پاکستان، بحرین و ایران می‌توانند به عنوان هسته اصلی تشکیل‌دهنده بازار مشترک عمل نمایند، زیرا مقدار شاخص اکمال تجاری در مورد این کشورها متوسط و بالا است، ضمن آنکه روند شاخص طی دوره مورد بررسی، ۸۵-۱۹۸۰ و ۹۵-۱۹۹۰ به نسبت باثبات بوده است.

• اعظم رضایی، در رساله کارشناسی ارشد خود با کمک برآوردهایی از جمله معیار کسینوس به بررسی فرصت‌های تجاری کشاورزی ایران و کشورهای عضو کنفرانس اسلامی پرداخته است. نتایج کسینوس صادراتی اعضای OIC به ایران بیانگر پایین بودن شدت تجارت بین ایران و اعضای OIC در واردات محصولات کشاورزی بوده که در مقایسه با کسینوس صادراتی ایران به اعضا مقادیر پایین‌تری دارد.

• میرعبدالله حسینی و زورار پرمه به ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری کالایی دوجانبه ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا با هدف ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری کالایی دوجانبه بین ایران و ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا با استفاده از شاخص‌های درایسل، کسینوس، پتانسیل تجاری و مزیت نسبی آشکار شده طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۳ پرداخته‌اند. شاخص کسینوس صادرات ایران و واردات اعضای اتحادیه اروپا بیانگر آن است که در بین این کشورها، قبرس و ایرلند بیشترین و مالت کمترین پتانسیل همکاری تجاری با ایران را دارند. شاخص کسینوس واردات ایران و صادرات اعضای اتحادیه اروپا نیز نشان می‌دهد که انگلیس و اتریش بیشترین و قبرس و مالت کمترین پتانسیل همکاری تجاری را با ایران دارند.

**جدول ۴ - شاخص کسینوس بین بردار صادرات  
ایران و بردار واردات کشورهای حوزه دریای  
مازندران طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳**

کشور	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	متوسط پنج سال
آذربایجان	۰/۰۱۱	۰/۰۱۴	۰/۰۴۳	۰/۰۷۷	۰/۱۳۸	۰/۰۵۷
ترکمنستان	۰/۴۴	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۱۸
روسیه	۰/۱۵۲	۰/۱۵۵	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۹۶
قزاقستان	۰/۴۷	۰/۵۵	۰/۶۱	۰/۷۱	۰/۶۴	۰/۵۹

مأخذ: نتایج تحقیق (داده‌های آماری از پایگاه آماری PC - TAS به دست آمده است)

**۶. بررسی وضعیت فعلی و بالقوه صادرات ایران به  
کشورهای حوزه دریای مازندران**

جدول (۵)، به بررسی کالاهای عمده صادراتی ایران به هر یک از کشورهای حوزه دریای مازندران در سال ۲۰۰۹ پرداخته است. همانطور که از اطلاعات جدول نتیجه گیری می‌شود کالاهای متنوعی در صادرات ایران به کشورهای حوزه دریای مازندران گنجانده شده‌اند که البته در برخی از این کد کالاها هنوز پتانسیل صادراتی بالایی وجود دارد.

**جدول ۵- کالاهای عمده صادراتی ایران به  
کشورهای حوزه دریای مازندران (۲۰۰۹) [۴]**

کشور	شرح کالا
آذربایجان	سیمان هیدرولیک (۲۵۲۳)، کوارتز و کوارتزیت (۲۵۰۶)، نیروی برق (۲۷۱۶)، سنگ تراش پذیر کار شده یا سنگ ساختمان (۶۸۰۲)، سیب و گلابی و به تازه (۰۸۰۸)، فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی، گره‌باف (۵۷۰۱)، شیشه کشیده و شیشه باد شده به صورت ورق (۷۰۰۴)، پلیمرهای پروپیلین یا پلیمرهای سایر اولفین‌ها به اشکال ابتدایی (۳۹۰۲)، اشیاء ساخته شده از سنگ یا از سایر مواد معدنی (۶۸۱۵)، چهارگوش و لوح برای فرش یا روکش دیوار و اجاق، از سرامیک و موزائیک (۶۹۰۸).

کشور	شرح کالا
ترکمنستان	نخ از پشم یا از موی نرم حیوان، آماده شده برای خرده‌فروشی (۵۱۰۹)، فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی، بافته شده (۵۷۰۲)، سیب، گلابی و به تازه (۰۸۰۸)، رنگ‌ها و ورنی‌ها بر اساس پلیمرهای سنتتیک یا پلیمرهای طبیعی (۳۲۰۸)، سبزمینی، تازه یا سرد کرده (۰۷۰۱)، مواد آلی از صابون‌ها، فرآورده‌ها برای شستشو، فرآورده‌های تمیزکننده (۳۴۰۲)، شیرینی و شکلات سفید، بدون کاکائو (۱۹۰۴)، صفحه‌ها، ورق‌ها و تیغه‌ها از مواد پلاستیکی غیراسفنجی و مستحکم نشده (۳۹۲۰)، محصولات خمیری، نان، شیرینی‌سازی و بیسکویت‌سازی، فطیر (۱۹۰۵)، اشیاء برای بسته‌بندی کالا، از مواد پلاستیکی، سر بطری و سرپوش‌ها (۳۹۲۳).
روسیه	میوه‌های سخت پوست، تازه یا حتی پوست‌کنده (۰۸۰۲)، خیار و خیارشور، تازه یا سرد کرده (۰۷۰۷)، انگور تازه یا خشک کرده (۰۸۰۶)، خرما، انجیر، آناناس، گلابی، انبه، جوز تازه یا خشک کرده (۰۸۰۴)، اتومبیل‌های سواری و سایر وسائل نقلیه موتوری که برای حمل اشخاص طراحی شده‌اند (۸۷۰۳)، گوجه‌فرنگی آماده یا محفوظ شده به جز در سرکه یا در جوهر سرکه (۲۰۰۲)، کشتی‌های مسافری، قایق‌های تفریحی یا مسافری (۸۹۰۱)، مربا، ژله، مارمالاد و پوره (۲۰۰۷)، میوه‌های تازه (۰۸۱۰)، آب‌میوه و سبزیجات تخمیر نشده و بدون الکل (۲۰۰۹).
قزاقستان	سبزمینی، تازه یا سرد کرده (۰۷۰۱)، مواد آلی از صابون‌ها، فرآورده‌ها برای شستشو و فرآورده‌های تمیز کردن (۳۴۰۲)، تور، شبکه و پرچین از مفتول آهنی یا فولادی (۷۳۱۴)، خرما، انجیر، آناناس، گلابی، انبه، جوز تازه یا خشک کرده (۰۸۰۴)، سیمان هیدرولیک (۲۵۲۳)، اشیاء شیشه‌ای آشپزخانه، پاکیزگی، دفتری، تزئینات داخلی یا مصارف همانند (۷۰۱۳)، چهارگوش و لوح برای فرش یا روکش دیوار و اجاق، از سرامیک و موزائیک (۶۹۰۸)، رنگ‌ها و ورنی‌ها بر اساس پلیمرهای سنتتیک یا پلیمرهای طبیعی (۳۲۰۸)، رنگ‌ها و پیگمان‌هایی که با آب مصرف می‌شوند از انواعی که برای پرداخت چرم به کار می‌روند (۳۲۱۰)، صابون‌ها و فرآورده‌های آلی که مصرف صابون دارند، مواد شستشوی بدن (۳۴۰۱).

ارقام داخل پرانتز، کد تعرفه‌ای چهار رقمی کالاها هستند.

کالاهای عمده دارای پتانسیل صادراتی بالقوه ایران به کشورهای حوزه دریای مازندران بر اساس معیار حداکثر پتانسیل طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ در جدول (۶) درج گردیده است. نفت و روغن‌های حاصل از مواد قیری، داروها تجویز شده برای مصارف درمانی، اتومبیل‌های با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰، اسکلت فلزی و اشیای آن، از چدن، آهن یا فولاد،

کشور	شرح کالا
ترکمنستان	اتومبیل‌های با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰ (۸۷۰۳۲۳)، میله‌های آهنی و فولادی غیر ممزوج فقط گرم نورد شده (۷۲۱۴۲۰)، داروها تجویز شده برای مصارف درمانی (۳۰۰۴۹۰)، اسکلت فلزی و اشیاء آن، از چدن، آهن یا فولاد (۷۳۰۸۹۰)، اجزا و قطعات وسائل نقلیه موتوری (۸۷۰۸۹۹)، شیرآلات، لوله و دیگهای بخار و آب گرم (۸۴۸۱۸۰)، نفت و روغن‌های حاصل از مواد قیری (۲۷۱۰۱۹)، وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل کالا (۸۷۰۴۲۲)، شکلات و سایر فرآورده‌های خوراکی دارای کاکائو (۱۸۰۶۹۰)، تابلو و پانل برای ولتاژ بیشتر از ۱۰۰۰ ولت برای کنترل الکتریکی یا توزیع برق (۸۵۳۲۰).
روسیه	سنگ آهن و کنستانت‌های آن (۲۶۰۱۱۱)، آجر، کاشی، سرامیک و موزائیک (۳۶۰۸۹۰)، صابونها، فرآورده‌های برای شستشو و تمیز کردن، بسته‌بندی شده برای خرده فروشی (۳۴۰۲۲۰)، پلی اتیلن با وزن مخصوص ۹۴٪ یا بیشتر (۳۹۰۱۲۰)، اوموبیل‌های سواری با حجم سیلندر حداکثر ۱۰۰۰ (۸۷۰۳۲۱)، خیار و خیار توشی، تازه یا سرد کرده (۰۷۰۷۰۰)، کیوی، تازه (۰۸۱۰۵۰)، اشیاء خانه‌داری و پاکیزگی، از مواد پلاستیکی (۳۹۲۴۹۰)، آب هر یک از میوه‌ها و سبزیجات (۲۰۰۹۸۰).
قزاقستان	نفت و روغن‌های حاصل از مواد قیری (۲۷۱۰۱۹)، داروها تجویز شده برای مصارف درمانی (۳۰۰۴۹۰)، اتومبیل‌های با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰ (۸۷۰۳۲۳)، اسکلت فلزی و اشیاء آن، از چدن، آهن یا فولاد (۷۳۰۸۹۰)، صابونها، فرآورده‌ها برای شستشو و تمیز کردن، بسته‌بندی شده برای خرده فروشی (۳۴۰۲۲۰)، شکلات و سایر فرآورده‌های خوراکی دارای کاکائو (۱۸۰۶۹۰)، آجر، کاشی، سرامیک و موزائیک (۳۶۰۸۹۰)، وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل بیش از ده نفر، دیزل یا نیمه دیزل (۸۷۰۲۱۰)، مبل‌های چوبی، اجزاء و قطعات آن‌ها (۹۴۰۳۶۰)، قیر نفت (۲۷۱۳۲۰).

ارقام داخل پرانتز، کد تعرفه‌ای شش رقمی کالاها هستند.

منبع: یافته‌های محقق بر اساس داده‌های سایت جهانی تجارت کالا و شاخص برآورد ساده پتانسیل تجاری

### جمع‌بندی و ملاحظات

کشورهای حوزه دریای مازندران، با داشتن پنج عضو، جمعیت به نسبت زیادی را در خود جای داده‌اند. مجموع جمعیت این کشورها در سال ۲۰۰۹، در حدود ۲۳۵ میلیون نفر بوده است و وزن مهمی را در مقایسه با ترتیبات تجاری دارند. کشور روسیه با جمعیتی بالغ بر ۱۴۰ میلیون نفر، به تهنایی حدود ۶۰ درصد از کل جمعیت این کشورها را در خود جای داده است و ایران با جمعیت ۶۶/۵ میلیون نفری، در بین کشورهای این منطقه رتبه دوم را از لحاظ جمعیت دارا است. پیش‌بینی می‌شود که اکثر این کشورها طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰ با نرخ رشد بالای جمعیتی مواجه شوند که این رشد جمعیت، رشد تقاضای واردات و عرضه

صابون‌ها، فرآورده‌ها برای شستشو و تمیز کردن، بسته‌بندی شده برای خرده‌فروشی، شکلات و سایر فرآورده‌های خوراکی دارای کاکائو، آجر، کاشی، سرامیک و موزائیک، وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل بیش از ده نفر، دیزل یا نیمه دیزل، مبل‌های چوبی، اجزا و قطعات آن‌ها، قیر نفت، سنگ آهن و کنستانت‌های آن، پلی اتیلن با وزن مخصوص ۹۴ درصد یا بیشتر، اتومبیل‌های سواری با حجم سیلندر حداکثر ۱۰۰۰، خیار و خیار ترشی، تازه یا سرد کرده، کیوی، تازه، اشیای خانه‌داری و پاکیزگی، از مواد پلاستیکی، آب هر یک از میوه‌ها و سبزیجات (۲۰۰۹۸۰) عمده کالاهای دارای پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای مذکور است. ایران بیشترین میزان پتانسیل صادراتی بالقوه را در میان این کشورها در ارتباط با ۱۰ کالای برتر، با کشور روسیه به میزان ۲/۱۴۷ میلیارد دلار و پس از آن، با آذربایجان به رقم ۸۹۶ میلیون دلار، قزاقستان با ۶۴۹ میلیون دلار و بالاخره ترکمنستان با ۴۵۵ میلیون دلار دارا است.

این اطلاعات که با توجه به آمار صادرات ایران و واردات کشورهای حوزه دریای مازندران در دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۷ به دست آمده‌اند نشان‌دهنده آن است که در کد کالاهای اعلام شده، بالاترین توان‌های صادراتی ایران به این کشورها نهفته است و با استفاده از این ظرفیت‌های استفاده نشده می‌توان در جهت گسترش روابط تجاری با این کشورهای گام‌های توانمندی برداشت.

### جدول ۶- کالاهای عمده دارای پتانسیل صادراتی بالقوه ایران به کشورهای حوزه دریای مازندران (۲۰۰۳-۲۰۰۷)

کشور	شرح کالا
آذربایجان	نفت و روغن‌های حاصل از مواد قیری (۲۷۱۰۱۹)، داروها تجویز شده برای مصارف درمانی (۳۰۰۴۹۰)، سیمان هیدرولیک (۲۵۲۳۲۹)، اتومبیل‌های با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰ (۸۷۰۳۲۳)، پلی‌پروپیلن (۳۹۰۲۱۰)، پلی‌اتیلن ترفتالات (۳۹۰۷۶۰)، اسکلت فلزی و اجزاء آن، از چدن، آهن یا فولاد (۷۳۰۸۹۰)، شیرینی و شکلات، بدون کاکائو (۱۷۰۴۹۰)، اتومبیل‌های سواری با حجم سیلندر بیش از ۱۰۰۰ و حداکثر ۱۵۰۰ (۸۷۰۳۲۲)، شیرآلات، لوله و دیگ‌های آب گرم و بخار (۸۴۸۱۸۰).

صادرات را در پی خواهد داشت.

ساده‌ترین شاخصی که می‌تواند به عنوان معیار امکان سنجی ادغام بین گروهی از کشورها مورد استفاده قرار گیرد، اندازه تولید ناخالص داخلی آن‌ها است. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای حوزه دریای مازندران در سال ۲۰۰۷، ۳۱۳۰ میلیارد دلار بوده است که سهم آن از تولید ناخالص جهانی در مقایسه با سهم آن از جمعیت جهانی کمتر است. در میان کشورهای حوزه دریای مازندران، دو کشور ایران و روسیه جمعاً ۲۹۵۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته‌اند که این رقم نزدیک به ۹۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی این کشورها را در بر دارد. در مقابل، دو کشور ترکمنستان و آذربایجان هر یک با تولید ناخالص داخلی کمتر از ۹۰ میلیارد دلار روی هم کمتر از چهار درصد از کل تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل داده‌اند و از نظر تولید ناخالص داخلی، این دو کشور به عنوان بازیگران مهم و اثرگذار در میان این کشورها محسوب نمی‌شوند.

کشورهای حوزه دریای مازندران از نظر تولید ناخالص داخلی تقریباً ناهمگون بوده و از نظر مشابهت اندازه تولید ناخالص داخلی در حد میانه قرار دارند.

این کشورها در سال‌های اخیر (۲۰۰۷-۲۰۰۹)، شاهد رشد متفاوتی در اقتصاد بوده‌اند درحالی که همه آن‌ها دارای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مثبت را تجربه کرده‌اند و قدرت اقتصادی آن‌ها رو به افزایش می‌باشد. با توجه به رشد بالای سالانه برای GDP و روند افزایشی تجارت کشورهای مورد مطالعه، می‌توان به روند رشد اقتصادی و توان رقابتی این کشورها پی برد.

تجارت کشورهای مورد مطالعه طی سالهای اخیر با روند افزایشی قابل ملاحظه‌ای مواجه بوده است. در سال ۲۰۰۹، مجموع صادرات کشورهای حوزه دریای مازندران به جهان، معادل ۶۸۱/۱۷ میلیارد دلار بوده است که این میزان نسبت به سال ۲۰۰۷، حدود ۶۰ درصد رشد داشته است. همچنین واردات این کشورها از جهان در سال ۲۰۰۹، ۴۲۰ میلیارد دلار بوده است که با توجه به رقم سال ۲۰۰۷، نزدیک به ۷۰ درصد رشد نشان داده است. سهم تجارت کشورهای حوزه دریای مازندران در کل تجارت جهان، از ۲/۸ درصد در سال ۲۰۰۷ به رقم ۳/۵ درصد در

سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است که نشان‌دهنده گسترش سهم تجارت این کشورها در تجارت جهانی است.

در واقع هر چه اندازه تجارت کشورها به هم نزدیک‌تر باشد، امکان تجارت بین آن‌ها بیش‌تر است و به علاوه برای کشوری که اندازه تجارت آن بالا باشد، در واقع گویای صادرات و واردات بالا و آن نیز مبین تنوع کمی و کیفی بالای تجارت آن کشور است و لذا انتظار می‌رود بخشی از جریان تجارت در میان اعضا به صورت دوجانبه صورت گیرد.

آنچه به‌وضوح مشخص و بین کشورهای فوق مشترک می‌باشد، درصد بسیار بالای صادرات سوخت و مواد معدنی در صادرات این کشورها و درصد بسیار بالای واردات کالاهای تولید شده به‌وسیله این کشورها است.

بر اساس شاخص کسینوس محاسبه شده برای کشورهای فوق مشاهده می‌شود که مشابهت ساختار کالاهای صادراتی ایران با ساختار کالاهای وارداتی قزاقستان، بالاتر از سایر کشورهای مطالعه بوده و در بین این کشورها، قزاقستان بالاترین پتانسیل تجاری را با ایران دارد. در واقع، زمینه توسعه تجاری ایران با قزاقستان از دیگر کشورهای مورد بررسی بالاتر است.

پس از قزاقستان، ترکمنستان در رتبه دوم قرار دارد و سپس روسیه و آذربایجان در مقام‌های بعدی می‌باشند.

حداقل رقم موجود گویای آن است که درجه اکتال بین دو کشور ایران و آذربایجان بسیار نازل است؛ هر چند که این مقدار، امکان وجود فعالیت‌های تجاری را در آینده کاملاً منتفی نمی‌کند. در رابطه با کشور روسیه و ترکمنستان نیز با ۰/۰۹۶ و ۰/۱۸ می‌توان استدلالی مشابه آنچه برای آذربایجان گفته شد، بیان نمود.

تشابه در ساختار صادراتی کشورهای فوق و نیز تشابه در ساختار واردات آنها، با توجه به جدول (۳)، به‌وضوح نتایج کسب شده به‌وسیله شاخص کسینوس را تایید می‌کنند. [۴۱]

با بررسی کالاهای عمده دارای پتانسیل صادراتی بالقوه ایران به کشورهای حوزه دریای مازندران بر اساس معیار حداکثر پتانسیل طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ نتیجه‌گیری می‌شود که نفت و روغن‌های حاصل از مواد قیری، داروها تجویز شده برای

مصارف درمانی، اتومبیل‌های با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰، اسکلت فلزی و اشیای آن، از چدن، آهن یا فولاد، صابون‌ها، فرآورده‌ها برای شستشو و تمیز کردن، بسته‌بندی شده برای خرده‌فروشی، شکلات و سایر فرآورده‌های خوراکی دارای کاکائو، آجر، کاشی، سرامیک و موزائیک، وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل بیش از ده نفر، دیزل یا نیمه‌دیزل، مبل‌های چوبی، اجزا و قطعات آنها، قیر نفت، سنگ آهن و کنستانتره‌های آن، پلی اتیلن با وزن مخصوص ۹۴ درصد یا بیشتر، اتومبیل‌های سواری با حجم سیلندر حداکثر ۱۰۰۰، خیار و خیار ترشی، تازه یا سرد کرده، کیوی، تازه، اشیای خانه‌داری و پاکیزگی، از مواد پلاستیکی، آب هر یک از میوه‌ها و سبزیجات (۲۰۰۹۸۰) عمده کالاهای دارای پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای مذکور است. ایران بیشترین میزان پتانسیل صادراتی بالقوه را در میان این کشورها در ارتباط با ۱۰ کالای برتر، با کشور روسیه به میزان ۲/۱۴۷ میلیارد دلار و پس از آن، با آذربایجان به رقم ۸۹۶ میلیون دلار، قزاقستان با ۶۴۹ میلیون دلار و بالاخره ترکمنستان با ۴۵۵ میلیون دلار دارا است.

## توصیه‌های سیاستی

۱. کشورهای حوزه دریای مازندران دارای ویژگی‌های متفاوت و مشترکی می‌باشند. در این میان، اشتراکاتی از قبیل حرکت در جهت صنعتی شدن، تلاش در جهت آزادسازی‌های تدریجی، استفاده از فرصت‌های اقتصادی و تجاری بین‌الملل به منظور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار را می‌توان ملاحظه نمود. به سبب ساختارهای اقتصادی نسبتاً یکسان و همچنین مشترکات سیاسی- اقتصادی و اجتماعی میان کشورهای ساحلی دریای مازندران، ایجاد یکپارچگی اقتصادی می‌تواند توان رقابتی کشور را در صحنه جهانی مورد آزمایش قرار داده و به ظهور مزیت‌های نسبی کشور و افزایش حجم مبادلات تجاری (با تاکید بر صادرات) ایران منجر شود.
۲. دستمایه قرار دادن این انگیزه‌های مشترک است که می‌تواند فرصت‌های مناسبی را در بهره‌گیری از امکانات مبادلاتی کشورهای حوزه دریای مازندران در ابعاد تجارت کالا و

خدمات، سرمایه‌گذاری مشترک و نقل و انتقال عوامل تولید فراهم آورده و به رفع و کاهش تنگناها و تفاوت‌های موجود کمک کند.

۳. ایجاد یک همپیوندی تجاری میان کشورهای حوزه دریای مازندران توصیه می‌گردد، زیرا ویژگی مشترک دارا بودن منابع عظیم نفتی و گازی این کشورها، باعث افزایش قدرت منطقه در عرضه و صادرات به سایر نقاط جهان خواهد شد.
۴. در راستای هدف توسعه صادرات و مطابق با یافته‌های پژوهش، صرف‌نظر از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تاثیرگذار بر روابط تجاری دوجانبه و تنها بر پایه نتایج حاصل از اکمال تجاری ایران با کشورهای حوزه دریای مازندران در ارتباط با افزایش سهم یا دسترسی به بازار کشورهای زیر در چارچوب برقراری موافقت نامه تعرفه ترجیحی تلاش کند. این کشورها طبق نتایج معیار کسینوس به ترتیب الویت عبارتند از: روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان. با توجه به سطوح متفاوت روابط تجاری ایران با هر یک از کشورهای حوزه دریای مازندران، مذاکرات با کشورهای روسیه و قزاقستان که از اقلام گسترده‌تر و متنوع تری در تجارت با ایران برخوردارند، می‌تواند در اولویت قرار گیرد. طبق بررسی ۱۰ کالایی که ایران بیشترین پتانسیل صادراتی را در آن‌ها با هر یک از کشورهای حوزه دریای مازندران داراست نیز روسیه بیشترین پتانسیل را دارا بوده و برای شروع همکاری‌ها و در راستای صادرات کالاهای تحلیل شده در این پژوهش مناسب می‌باشد.
۵. حضور فعال تیمی مرکب از تجار، صاحبان صنایع (به ویژه بخش خصوصی) و اتاق بازرگانی، که در کالاهای شناسایی شده جهت صادرات به کشورهای حوزه دریای مازندران فعالیت دارند، جهت شرکت در کمیسیون‌های مشترک اقتصادی میان این کشورها باعث بهبود روند مذاکرات با ارائه اطلاعات کامل در مورد کالاهای صادراتی ایران و دسترسی راحت‌تر به بازارهای این کشورها می‌شود.
۶. بر پایی نمایشگاه‌های دائمی در کشورهای حوزه دریای مازندران و معرفی کالاهای صادراتی ایران در توسعه روابط تجاری بین ایران و این کشورها موثر است.

## پی‌نوشت

۳۰. بر اساس مصوبه شرط توانمندسازی (۱۹۷۹) کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت، عضویت کشورهای در حال توسعه در ترتیبات تجارت ترجیحی به منظور گسترش تجارت جنوب-جنوب مجاز است. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته مکلف شده‌اند ترتیبات منطقه‌ای خود را با ضوابط ماده ۲۴ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت منطبق سازند.

31. Free Trade Area.

32. Customs Union.

33. www.indexmundi.com.

34. Arnon, Aprick & Weinblatt 1996.

۳۵. معیار اکمال تجاری نشان‌دهنده امکان تجارت بین دو کشور و معیار تشابه تجاری نشان‌دهنده میزان شباهت ساختار تجاری دو کشور است

۳۶. اما درجه اکمال تجاری بالا، دلیل کافی برای برقراری روابط تجاری بالا بین کشورها نیست بلکه عوامل دیگری نظیر تشابه مطلوبیت، نزدیکی جغرافیایی، مسایل سیاسی و ... در شکل‌گیری این روابط موثرند.

37. Roy Allen.

۳۸. علاوه بر محاسبه تشابه ساختار واردات - صادرات می‌توان از این معیار برای اندازه‌گیری درجه تشابه در ساختار صادرات- واردات دو کشور نیز استفاده کرد؛ یعنی تشابه صادرات کشور I و صادرات کشور J. هر چه تشابه در این مورد بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که دو کشور کالاهای مشابهی را صادر می‌کنند و در نتیجه ساختار صادرات رقابتی‌تری بین دو کشور وجود دارد. همین محاسبه را می‌توان برای الگوهای واردات دو کشور انجام داد. در این صورت کسینوس، درجه رقابت را در ساختار واردات کشورها نشان می‌دهد.

۳۹. برای محاسبه درجه اکمال بین ایران و سایر کشورهای حوزه دریای مازندران، از کدهای شش رقمی HS استفاده شده است.

۴۰. لازم به ذکر است به دلیل عدم وجود اطلاعات مورد نیاز در رابطه با صادرات ایران به ترکمنستان، از آمار سال ۲۰۰۶ در

۱. آذربایجان، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان.

۲. لازم به ذکر است بخشی از مقاله حاضر، برگرفته از رساله کارشناسی ارشد محقق اول به راهنمایی جناب آقای دکتر محمد نهبوندیان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌باشد که مورد حمایت مالی «موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی» قرار گرفته است. در اینجا از استاد مشاور جناب آقای دکتر ابراهیم التجائی نهایت سپاس‌گزاری اعلام می‌گردد.

3. Cosine Index.

4. Trade Creation.

5. Trade Diversion.

6. Viner, 1950.

7. Richard Lipsey.

8. Kelvin Lancaster.

9. Harry Johnson.

10. James E. Maede.

۱۱. ملاک اصلی مد نظر آن‌ها در تعریف شرکای طبیعی، حجم اولیه بسیار بالای تجارت میان اعضا بوده است.

12. Paul Wonnacott.

13. Mark Lutz.

14. Lawrence.

15. Summers.

16. Preferential Trade Agreement (PTA).

17. Jagdish Bhagwati.

18. Arvind Panagariya.

19. Paul Krugman.

20. Frankel.

21. Stein.

22. Wei (1995).

۲۳. هیچ یک از پیشگامان اولیه مانند واینر، مید و لپسی، هزینه‌های حمل و نقل را به عنوان عامل مهمی در ارجحیت ترتیبات تجاری ترجیحی عنوان نکرده بودند.

24. Kemp - Wan Theorem.

۲۵. مهدی پور ۱۳۸۴، ۱۱۴.

۲۶. حسینی ۱۳۸۵، ۱۳۰.

۲۷. موافقت‌نامه تجارت ترجیحی.

28. preferential Trade Agreement.

29. Global system of Trade preferences.

رابطه با این کشور استفاده شده است.

۴۱. درصد بالای صادرات این کشورها را "سوخت و مواد معدنی" و نیز درصد بالای واردات آن‌ها را "کالاهای تولید شده" تشکیل می‌دهند.

## منابع

حسینی، میرعبدالله، توسعه تجارت ایران با اتحادیه اروپا با تاکید بر پیش‌نویس موافقت‌نامه تجارت و همکاری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۸۴.

صادقی یارندی، سیف‌الله و میرعبدالله حسینی، «بررسی امکان مبادله محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۱، تهران، تابستان ۱۳۷۸.

رحیمی بروجردی، علیرضا، روابط تجاری و بین‌المللی معاصر، تئوری‌ها و سیاست‌ها، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

رحیمی بروجردی، علیرضا، همگرایی اقتصادی، ترتیبات تجاری و بازارهای مشترک، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.

کریمی درمنی، زهره، برآورد درجه تکمیل و تشابه تجارت میان اعضای اکو و شورای همکاری خلیج فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۷.

کمالی اردکانی، مسعود، نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۸۰.

حسینی، میرعبدالله و احمد اخوی، «ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادراتی محصولات کشاورزی ایران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۴، تهران، تابستان ۱۳۸۵.

مهدی‌پور تملی، فاطمه، «ارزیابی و تعیین ظرفیت‌های تجاری دوجانبه ایران با کشورهای عضو موافقت‌نامه نظام تجارت ترجیحی سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۶، تهران، پاییز ۱۳۸۴.

رحمانی، میترا، برآورد توان بالقوه تجارت ایران در گروه هشت، پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۴، تهران، ۱۳۸۴.

Arnon, Arie, Spivak, Avia and J.Weinblatt;"The Potential for Trade Between Israel, the Palestinians and Jordan", *Institute for International Economics*, 1995.

Department Of The Parliamentary Library;"Regional Trade Agreement And WTO", Research Note 2002-3, No.16, October, 2002.

Proceeding Of The International Seminar On Ways And Means to Establish Islamic Common Market – 27 And 28 September 2000.

Srinivasan, T.N.; Preferential Trade Agreement With Special Reference To Asia, 1995.

Statistical Assessment Of Economic Integration – Theories And Models, Paper Submitted By The Hungarian Central Statistical Office, Statistical Commission And Economic Commission For Europe, Conference Of European Statisticians.

Bhagwati, Jagdish and Arvind Panagariya, "The Theory of Preferential Trade Agreement: Historical Evolution and Current Trends", *the American Economic Review*, Vol.86, No.2, 1996.

Viner, J., the Customs Union Issue, New York, Carnegie Endowment for International Peace, 1950.

ITC(International Trade Center(2008), PC-TAS, PC-Trade Analysis System,2003-2007

World Development Indicators,(2007-2009)

UNCTAD, Trade and Development Report,2008

www.intracen.org

www.worldbank.org

www.wto.org

www.tpo.ir

www.state.gov

www.trademap.org

www.indexmundi.com

www.imf.org